

خدایی که رابطه‌ها را دوست دارد

عصر بخیر به همه شما عزیزان
بگذارید توجه شما را به موضوعی جلب کنم.

می‌خواهم توجه همگی اینجا باشد،
می‌خواهم امشب بر موضوع مهمی تمرکز کنیم،

و موضوع مهم این هست: "خدایی که
رابطه‌ها را دوست دارد".

فکر کردم که امشب شروع کنم با
طرح سؤال ساده از شما

در مورد ورزشی که توسط افراد زیادی دنبال می‌شود،
میلیونها یا شاید میلیاردها نفر از تلویزیون تماشا می‌کنند،

مردمی که در همین کره خاکی زندگی می‌کنند. و این
چیزی هست که شما یا دوست دارید یا ازش نفرت دارید.

در باره چی صحبت می‌کنم؟ دارم در مورد
بازی فوتبال صحبت می‌کنم. بگذارید ببینیم که

چه کسانی خوششان می‌آید و چه کسانی بدشان می‌آید؟
چه افرادی از بازی فوتبال خوششان می‌آید؟

شاید یک یا دو نفر. و شاید کسی
در عمق افکارش چنین سؤالی می‌کند،

"من اصلاً نمی‌خواهم این بازی را تماشا کنم."
بله، در آن طرف چند دست را می‌بینم.

خوب، بگذارید به شما بگویم، شما حتماً نباید آن را
دوست داشته باشید، شما لازم نیست حتماً

در فوتبال تخصص داشته باشید که سؤال مرا جواب دهید.
آیا آماده هستید؟ یک سؤال بسیار ساده.

فکر می‌کنید که نقش یک توپ در بازی
فوتبال چقدر مهم هست؟

داریم جلو می‌رویم. می‌دانم که این سؤال سختی هست؟
یک توپ چقدر مهم هست؟

چه کسی فکر می‌کند که: "بله خیلی مهم هست."،
کاملاً لازم و ضروری.

جنبه‌های دیگری در فوتبال هست که
ما در مورد آنها می‌دانیم

دوندگی‌های زیادی به این طرف و آنطرف زمین است که با دیگر بازیکنان داد و فریاد می‌کنید.

البته، همه اینها جنبه‌هایی از بازی فوتبال هست،

ولی توپ فوتبال قطعاً مهم و حیاتی است، چون بدون این توپ

شما اصلاً بازی فوتبالی نخواهید داشت، اینطور نیست؟ فکر کنید که بدون توپ چه چیزهایی باقی می‌ماند.

شما ۲۲ بازیکن دارید که در زمین می‌دوند و سر هم داد و فریاد می‌کنند.

و شما تلویزیون تهیه نکرده‌اید که اینها را تماشا کنید.

قطعاً مهمترین هست. حالا چرا این را به شما می‌گویم؟ چون مردمی را دیده‌ام که فکر می‌کنند

مسیحی بودن در باره ایمان داشتن به خداست

و در مورد تلاش برای داشتن زندگی خوب که باعث خشنودی خدا شود.

ولی من حالا دارم چه می‌گویم؟ خوب ببینم که تمام اینها جنبه‌های مسیحی بودن هست.

ایمان به خدا و تلاش برای یک زندگی که خدا را خشنود کند و البته درست هست.

اینها در مورد مسیحی بودن درست هست ولی در اینجا نکته مهمی فراموش شده.

و این نکته چی هست؟ در فوتبال، توپ کلید اصلی است. در مورد مسیحی بودن چه؟

آنچه که قطعاً حیاتی و اساسی است. سرسپردگی شخصی به عیسی مسیح است.

ولی بدون آن شما تنها می‌مانید با دوییدن به این طرف و آن طرف.

حدس می‌زنم که در همین لحظه شما می‌گویید که "من این را می‌دانم،

و این برای من تعجب آور نیست. " من امیدوارم که این اصلاً شما را متعجب نکند،

ولی ممکن هست شما سؤال دیگری داشته باشید. شما ممکن است فکر کنید، " خوب،

من فهمیدم. ولی این را در عمل چطور می‌توانیم ببینیم؟ چه معنی می‌دهد که هر روز

عیسی را مسئول و صاحب همه چیز بدانم؟" این همان چیزی است که امشب می‌خواهیم به آن نگاه کنیم.

می‌خواهم به شما چند آیه از انجیل یوحنا را نشان دهم.

اگر انجیل یوحنا را در دست دارید، با من باب ۱۵ از این انجیل را باز کنید.

خیلی خوب می‌شود و کمک بزرگی هست. بله انجیل یوحنا باب ۱۵

و می‌خواهم آیات ۹ تا ۱۳ را برای شما بخوانم. این ساعات آخری است قبل از اینکه عیسی

به طرف صلیب برود و او شاگردان را آماده می‌کند

برای اینکه زندگی بدون او چگونه خواهد بود. و نمونه‌های کاملی هستند

برای فهمیدن در عمل که معنی و مفهوم پیروی از عیسی چیست.

بگذارید آیه ۹ را بخوانم. عیسی می‌گوید، "همچنان که پدر مرا محبت نمود، من نیز شما را محبت نمودم.

در محبت من بمانید. اگر احکام مرا نگاه دارید، در محبت من خواهید ماند،

چنانکه من احکام پدر خود را نگاه داشته‌ام، و در محبت او می‌مانم.

این را به شما گفتم تا خوشی من در شما باشد و شادی شما کامل گردد.

این است حکم من: یکدیگر را محبت نمایید، همچنانکه شما را محبت نمودم.

کسی محبت بزرگتر از این ندارد که
جان خود را به جهت دوستان خود بدهد."

تا حالا دیدیم که چقدر ساده است که
مسیحیت را اشتباه درک کنیم.

دیدیم که خیلی از مردم
مسیحیت را با مراسم و آیین‌ها اشتباه می‌گیرند

یا شاید قواعدی که باید از آن پیروی کنند،
ولی با اینکار رابطه قلبی را از دست می‌دهند.

ولی حتی وقتی که آن را دریافتید،
وقتی که حتی خودتان بدان فکر کردید که ،

"من می‌دانم که همه چیز در باره
رابطه با خود شخص عیسی است،"

خوب، حقیقتاً خیلی ساده است که در
مورد نوع این رابطه که با او برقرار می‌کنیم

درک و فهم درستی نداشته باشیم. حال به این فکر کنید،
ما انواع ارتباطها داریم

و ما به طرق مختلفی با مردم رابطه برقرار می‌کنیم.

رابطه‌های زیادی هست که من
با مردم دارم و همه آنها بسیار رسمی است.

آیا شما هم چنین روابطی دارید؟ همه رسمی است،
حرفه‌ای است، خیلی با فاصله است.

خیلی عادی است، و این راهی است که باید باشد.

ولی انواع دیگر روابطی هست که با مردم
دارم که بسیار صمیمانه و احساساتی است.

و نکته اصلی این است که این دو را با هم اشتباه نگیریم.

پس شما در باره چنان روابط
که بسیار حرفه‌ای و رسمی هستند فکر می‌کنید،

خیلی خوب. من نمی‌دانم که چه نوع
ارتباطی با پزشک خودتان دارید.

وقتی که نزد پزشک خودم می‌روم،
او آدم خوبی است، خیلی حرفه‌ای است،

بسیار خوش‌مشرب است. ولی من نمی‌دوم توی
مطبخش و او را در آغوش بگیرم و ببوسم.

یا اگر بروم در مغازه ابزار فروشی محله خودم
و سؤالی از آنها بپرسم.

من هیچ سر نخ‌ی در مورد ابزار فروشی ندارم، ولی اگر بروم
توی مغازه ابزار فروشی و سؤال کنم در مورد

میخ و یا چیزی مانند آن،
و پاسخ درستی به سؤال من بدهند،

من آنها را در آغوش نمی‌گیرم و آنها را
محکم بغل نمی‌کنم.

ولی رابطه‌هایی هست که درسته و باید
از دور باشد و خیلی رسمی،

و آنهایی که صمیمانه است و خیلی نزدیک.
سؤال این هست که،

چه نوع رابطه‌ای را خدا می‌خواهد که
ما داشته باشیم؟ با من دوباره به آیه ۹ نگاه کنید.

به آنچه عیسی می‌گوید خوب گوش دهید.
او می‌گوید، "همچنانکه پدر مرا محبت نمود،

شما را محبت نمودم.
در محبت من بمانید."

این یکی از آیاتی در کتاب مقدس است
که ما را در وضعیت‌مان متوقف می‌کند،

زیرا عیسی در مورد چیزی می‌گوید که آن را انجام می‌دهد

"نگاه کنید به رابطه‌ای که مناز آن لذت می‌برم
با پدرم و این مدل و نمونه‌ای است

برای رابطه‌ای که من می‌خواهم
به پیروانم تقدیم کنم!"

او می‌گوید که، "در مورد آن فکر کنید!
فکر کنید در مورد اینکه چگونه پدر

با شور و احساسات مرا دوست دارد! فکر کنید در باره
رابطه‌ای که با پدر دارم و از آن لذت می‌برم!

فکر کنید در مورد اینکه من چگونه واکنش نشان می‌دهم در برابر محبت پدر.

فکر کنید در مورد رابطه ما با هم. "عیسی می‌گوید،

"این همان نوع رابطه‌ای است که من می‌خواهم به شما پیشنهاد کنم.

این همان نوع اشتیاقی است که من برای شما دارم. چگونه از آن استقبال می‌کنید؟"

شما حالا در مورد پدر فکر می‌کنید و پسر. آنان از داشتن چه نوع رابطه‌ای لذت می‌برند؟

حتماً نباید رابطه‌ای خیلی دور، سرد و رسمی باشد، اینطور نیست؟

این رابطه‌ای نیست که در کتاب مقدس اصولاً آن را ببینید. پس چی هست؟

یک رابطه خانوادگی خیلی گرم و صمیمانه. حتی کلماتی چون، "پدر" و "پسر"

اشاره می‌کند به صمیمیت، همچنین شور و اشتیاق. یک رابطه نزدیک و گرم است.

صمیمیتی هست بین دو نفر. خیلی شدید و مشتاقانه،

خوشی هست، سرسپردگی و تعهد هست، شور و احساسات بین یکدیگر هست.

حتی اگر شما آن را قبول کنید، رابطه شیرینی هست بین پدر و پسر.

و عیسی می‌گوید، "شما می‌دانید شور و احساسی که پدر نسبت به من دارد؟"

بله، این همان نوع شور و احساسی است که من نسبت به پیروان خودم دارم.

و شما می‌بینید که چگونه در محبت به پدر عکس‌العمل نشان می‌دهم؟

این دقیقاً همان پاسخی است که من از شما انتظار دارم. "عیسی چه پیشنهادی می‌دهد؟"

نه رابطه‌ای دور، سرد،
بلکه مشتاقانه و پر از احساسات،

یک رابطه سرزنده و صمیمی با پیروانش.
حالا شما می‌بینید که چه چیزی را به ما تقدیم می‌کند؟

منظور به سادگی این نیست که عیسی به ما
بخشش کامل را تقدیم می‌کند،

بخششی که می‌دانیم بسیار مهم و بزرگ هست. ولی این
چیزی نیست که بسوی عیسی بیاییم و او بگوید که

"خوب، بگذار به تو بگویم، همه اعمال
اشتهاهی که انجام داده‌ای،

و همچنین همه اشتباهاتی که
مکرر از این پس انجام می‌دهی، همه را برایت درست کردم.

من بهای همه را در صلیب پرداخت کردم."
چقدر پرشکوه خواهد بود، اینطور نیست؟

بخشش کامل بر اساس
مرگ عیسی بر صلیب.

ولی این بسادگی چیزی نیست که بسوی عیسی می‌آییم
و او می‌گوید، "تو را می‌بخشم،

برو دیگر انجامش نده." در مورد این هست که می‌آییم
نزد عیسی و او می‌گوید،

"تو را کاملاً بخشیده‌ام،
ولی حالا بیا

و از مشارکت با من لذت ببر."
این بسیار عالی است، اینطور نیست؟

چه چیزی بزرگترین هدیه عیسی است؟
بزرگترین هدیه از طرف عیسی، خود عیسی است!

او می‌گوید، "من می‌خواهم که شما
بر اساس مرگ من

و رابطه پر از خوشی
و مشارکت صمیمی نزد من بیایید."

من در باره این موضوع این هفته فکر می‌کردم،
یعنی رابطه بین خودم و همسرم،

و حس کاملی از درک این موضوع براریم داشت.

بعضی مواقع ممکن است شما
برایتان مشکل باشد که باور کنید

من همسرم را ناراحت می‌کنم. زمانی هست که بارها
وقتی که کارهای اشتباهی می‌کنم

و او فکر می‌کند که چقدر کارهام خنده‌دار و با مزه است.
او در حقیقت یک کتاب دارد،

که همه چیز را در آن می‌نویسد، که آن را
کیفیت‌های دوست‌داشتنی من نام نهاده است.

کارهایی هست که من انجام می‌دهم
و او آنها را یادداشت می‌کند

این کتاب برای اینکه آن را بخوانم بسیار طولانی است.

کارهای احمقانه زیادی است که آنها
را انجام می‌دهم ولی گاهی

اشتباهاتی انجام می‌دهم که او را واقعاً ناراحت می‌کند
و او واقعاً از دستم عصبانی و دلخور می‌شود.

اگر آنقدر مرد باشم که بیایم به
آشپزخانه، جایی که او هست،

می‌بینم که در آنجا فضایی سرد هست،
ولی من چه چیزی می‌خواهم؟

در این لحظه، چه چیزی می‌خواهم؟ من
بخشش همسرم را می‌خواهم، بلکه من همین را می‌خواهم.

البته که من بخشش همسرم را می‌خواهم.
ولی آیا این تمام چیزی است که می‌خواهم؟ نه.

چیزی که من می‌خواهم این هست که او برگردد.
من ارتباط صمیمی و مشارکت قبلی را می‌خواهم.

متوجه می‌شوید که این همان چیزی است
که ما باید در رابطه با خدا بخواهیم. ما به او خطا کرده‌ایم

ولی در نهایت از او چه می‌خواهیم؟ آیا
آمزش را بخواهیم و بعد دنبال کار خودمان برویم؟ نه!

مطمئناً خدایی را می‌خواهیم که آغوشش را بر ایمان باز کند
و بگوید، "به مشارکت با من برگرد."

و این همان چیزی است که عیسی دقیقاً می‌گوید.

"همچنانکه پدر مرا محبت نمود،
من شما را محبت نمودم." از این صمیمیت لذت ببرید.

حالا برای این نوع از روابط
می‌دانیم که باید قدر و ارزش اینها را بدانیم
و فکر نمی‌کنم که باید ما را متعجب و غافلگیر کند که
عیسی در پایان آیه ۹ می‌گوید،

"در محبت من بمانید". او می‌گوید،
شما باید این رابطه را برقرار کنید،

و باید این صمیمیت را حفظ کنید. این
بسیار گرانها است و بسیار خوب و نزدیک،

ولی شما باید این صمیمیت را حفظ کنید.
بله، شما شخصاً پیش من می‌آیید،

ولی شما باید این صمیمیت را حفظ کنید.
سوال این است: چگونه؟

خوب، به آیه ۱۰ نگاه کنید.
عیسی به ما پاسخ می‌دهد، او می‌گوید

"اگر احکام مرا نگاه دارید،
در محبت من خواهید ماند،

همچنانکه من احکام پدر را نگاه داشته‌ام
و در محبت او می‌مانم."

و حالا این همه صحبت در باره احکام
ممکن است بنظر کمی عجیب بیاید

ولی آنچه که باید بدانیم این است که
در رابطه با عیسی،

چه کسی مسئول هست؟ شخص عیسی. او رئیس است.
او کسی است که باید خودمان را به او تسلیم کنیم.

ولی این به معنی تغییر آنی نیست.
این بدین معنی نیست که شما صبح از خواب بیدار می‌شوید

و بعد از اینکه خودتان را به مسیح تسلیم کردید و
صبح روز بعد، برمی‌خیزید، بسوی آینه می‌روید،

هیچکس هرگز نمی‌رود و بگوید: "فکر می‌کنم در یک شب تبدیل به یک انسان کامل شدم."

من اینکار را نمی‌کنم. بلکه یک تغییر تدریجی است و نکته عالی و پرشکوه این است که

عیسی وعده می‌دهد که به محض اینکه ما می‌آییم شخصاً نزد او، او روح القدس را می‌فرستد

تا با ما باشد، تا در ما کار کند و هر روز ما را تغییر دهد تا

این تبدیل بوقوع بپیوندد. ولی هر روز یک تسلیم به حاکمیت عیسی هست

و آنچه خودم به یاد می‌آورم این است که عیسیایی که به من فرمان می‌دهد،

همان عیسیایی است که مرا محبت کرده است.

چه نمونه‌ای برای این تسلیم به عیسی وجود دارد؟ آیا این را دوباره می‌بینید؟

این نمونه، پدر است و پسر. عیسی می‌گوید

"احکام پدر را نگاه می‌دارم و در محبت او می‌مانم." عیسی می‌گوید

اگر می‌خواهیم در صمیمیت بمانیم و با او مشارکت داشته باشیم

چیزی را که می‌گوید باید انجام دهیم. ما احکامش را نگاه می‌داریم زیرا در غیر این صورت

مشکلی در اینجا بوجود خواهد آمد در رابطه با خداوند عیسی.

ما این را در

رابطه بین پدر و پسر می‌بینیم .

شما می‌بینید که گاهگاهی کودک دوست‌داشتنی کاری می‌کند که لبخند بر لبان پدرش می‌نشانند.

آنها کارهای احمقانه می‌کنند و می‌توانند بعدها به آن کارها بخندند.

ولی گاهی این بچه‌های عزیز،
خیلی بی اعتنا و گستاخ هستند، اینطور نیست؟

و می‌بینید که اخلاقی
در رابطه بین پدر و پسر ایجاد می‌شود.

محبت همچنان سر جایش هست، ولی شیرینی
مشارکت مثل سابق برقرار نیست.

ما این را می‌فهمیم. و عیسی می‌گوید که
اگر می‌خواهیم حفظ کنیم

صمیمیت مشارکت را با عیسی،
باید آنچه را که می‌گوید اطاعت کنیم.

سوال این است که او چه می‌گوید؟
حتی آنچه فکر میکنید که

همه این صحبت‌ها در مورد اطاعت کردن و احکام...
ممکن است به نظر کمی خسته کننده باشد،

کمی هم افسرده کننده، من این را دوست ندارم.
نگاه کنید به آنچه عیسی در آیه ۱۱ می‌گوید.

خیلی شگفت‌انگیزه. به این نگاه کنید.
او می‌گوید، "من به شما گفتم

که شادی من در شما خواهد بود
و شادی شما کامل خواهد شد."

او دو بار می‌گوید، "شادی". آیا شما به دنبال
شادی هستید؟ البته که به دنبال شادی هستید.

شما شادی همیشگی و عمیق می‌خواهید.
عیسی می‌گوید، "از من اطاعت کنید

و این هیچ باعث افسردگی،
اخلال و ناخوشی نمی‌شود."

خوشی و شادی در این است که
احکام عیسی را در عمل پیاده کنید.

احکام خداوند عیسی چیست؟
خوب، بهترین مکان برای شروع

این است که برویم به سراغ آنچه مسیحیان
آن را عهد جدید می‌نامند و پیدا کنیم

کلمات عیسی و کلمات مردم
که عیسی آنها را بعنوان سخنگوی خود معرفی کرده.

و شما پیدا می‌کنید، به درستی درک می‌کنید،
جایی که عیسی با مردم صحبت می‌کند

و بر آنها حکم می‌راند. حالا شما چه چیزی پیدا می‌کنید
وقتی به عهد جدید مراجعه می‌کنید؟

خوب، آنچه پیدا نمی‌کنید فهرستی است از
جزئیات کوچک مربوط به زندگی ما

حال در این مورد فکر کنید. شما بیدار می‌شوید
امروز صبح، فرض می‌کنم.

شما صبح امروز از خواب بیدار می‌شوید و
باید چند تصمیم بگیرید، اینطور نیست؟

من باید چه بپوشم؟ چگونه در این مورد تصمیم می‌گیرید؟
به عنوان مسیحی، من به کتاب مقدس مراجعه نمی‌کنم

و فکر می‌کنم که "درست، آیا چیزی هست در
کتاب مقدس که بگوید من باید چه بپوشم؟"

تصمیم در مورد اینکه چه چیزی باید بپوشم
خوب می‌توانم از همسر سوال کنم.

زیرا در اوائل زمانی که ما
شروع کردیم به آشنا شدن با هم، در دیدار سوم بود که

یادم می‌آید که به او گفتم
خیلی واضح و روشن که

"فکر می‌کنم که در جمع باعث خجالتت شدم،
بخاطر لباسی که موقع قدم زدن باهاش پوشیده بودم."

او به گفت که این خیلی عالی که گفتی و
به من نشان داد که چطور بتوانم بهتر به وضع ظاهرم برسم.

حتی تا به امروز روی این کار می‌کنم که
چطور بتوانم بهتر بپوشم. ولی در مورد چیزهای دیگر،

باید چی برای صبحانه تهیه کنم؟ احتیاج ندارید
در این مورد به کتاب مقدس رجوع کنید.

وقتی به کتاب مقدس مراجعه می‌کنید متوجه چه چیزی می‌شوید
در باره احکام عیسی؟

او مرز و محدوده‌ای را پیش روی ما قرار می‌دهد،
محدوده‌های وسیعی، وقتی که می‌گوید

"این راهی است که می‌خواهم شما در آن حیات داشته باشید،
این محدوده‌ای است که باید در آن ساکن شوید."

ولی آنچه او می‌خواهد که ما انجام دهیم
این است که در ایمانمان رشد کنیم.

آنچه از ما می‌خواهد این است که بیشتر یاد بگیریم
در مورد آنچه دوست دارد و آنچه می‌کند

و آنچه ما باید در آن رشد کنیم و
تصمیم بگیریم. و من این را دوست دارم.

و این چیزی است که ما را آزاد می‌کند.

ولی ممکن است شما هنوز سوال کنید که، "خوب،
این را فهمیدم، ولی آیا نکته بخصوصی هم در این هست؟"

بگذارید این مطلب را با نشان دادن
یک حکم خاص عیسی تمام کنم.

این را در آیات ۱۲ و ۱۳ خواهید یافت.
این چیزی هست که عیسی می‌گوید،

"این است حکم من: یکدیگر را محبت نمایید،
هچنانکه من شما را محبت نمودم.

کسی محبت بزرگتر از این ندارد که
جان خود را به جهت دوستان خود بدهد."

خوب دقت ما در اینجا این است که
عیسی شاگردانش را تعلیم می‌دهد

در مورد اینکه رابطه آنها با همدیگر،
وقتی که عیسی از میانشان رفت، چگونه ادامه داشته باشد.

و همه آن روابط را خلاصه می‌کند،
همه آنچه را که باید انجام دهند

با یک فرمان ساده: همدیگر را محبت کنید.
حال درک این بسیار مهم و حیاتی است

زیرا آنچه ما گفتیم در باره
مسیحی شدن

همه در باره رابطه شخصی
با عیسی است، همیشه رابطه شخصی است،
هیچگاه این رابطه به صورت انفرادی نیست.

زیرا مسیحی شدن،
به این معنی است که شما به یک خانواده می‌پیوندید.

ما شخصاً بسوی عیسی می‌آییم و او می‌گوید،
"با خواهران و برادران ملاقات کن".

در اینجا یک مسئولیت گروهی وجود دارد.
عیسی می‌گوید شما نمی‌توانید در انزوا زندگی کنید

به عنوان یک مسیحی.
او می‌گوید که ما باید همدیگر را محبت کنیم.

این به چه معنی است؟ همدیگر را محبت نمودن؟
بگذارید به شما بگویم که این به چه معنی نیست.

و فکر می‌کنم شما این خبر خوش را خواهید یافت.
محبت کردن به بقیه مسیحیان به معنی

دادن یک بوسه آبدار به آنان نیست، که وقتی
شما آنها را ببینید انجامش دهید.

فقط به اطراف خودتان نگاه کنید. در اطراف
میزتان، برای یک لحظه نگاه کنید. آیا خوب هست؟

شما به اطراف نگاه می‌کنید و می‌گویید، "اوه!

من می‌توانم به آنها ماچ آبداری بدهم،
این خیلی خوبه." این همان هست... خوب که شما فراری شوید!

محبت به مسیحیان دیگر، خوب،
به این معنی است که باید مواظب باشیم،

به این معنی است که یک احساس قلبی
نسبت به دیگر مسیحیان داشته باشیم، ولی تاکید روی

عمل است. عیسی می‌گوید،
"یکدیگر را محبت نمایید همچنانکه من شما را محبت نمودم."

شما به زندگی عیسی نگاه کردید
همچنانکه در این کتاب نوشته شده است

و شما اعمال مکرر عیسی را می‌بینید
طوری که عملاً به مسائل رسیدگی می‌رسد

که به شاگردانش خدمت و کمک کند.
و این باید در اذهان ما باشد

چنانکه در مورد این فکر می‌کنیم که محبت کردن نسبت به مسیحیان دیگر
چه معنی دارد .

بالاخره این چه معنایی می‌دهد؟
خوب، دوباره و دوباره در کتاب مقدس

و در طول تاریخ کلیسا
و همچنین در جامعه امروز

یکی از بزرگترین راهها برای محبت دیگر مسیحیان
این است که با آنان وقت بگذرانیم.

در حضورشان به سر ببریم ، کارهایی بکنیم در
جهت خدمت به آنها، وقت‌مان را به آنها اختصاص دهیم

که نشان دهیم در کنارشان هستیم، مراقب و مواظبشان هستیم،
و اینها کارهای محبت آمیز هستند.

چیز مهم دیگر این است که در
تمام کتاب مقدس

مسیحیان به هم کمک می‌کنند
با تقدیم و اهدای پول و دارائی‌شان به یکدیگر.

آنها می‌توانند مراقب همدیگر باشند.
شما ممکن است فکر کنید که

"خوب، تا چه اندازه باید در این
موارد پیش بروم؟" معیاری که عیسی مقرر می‌کند

مرگ او در روی صلیب است.
"کسی محبت بزرگتر از این ندارد که جان

خود را به جهت دوستان خود بدهد."
و این همان است که عیسی انجام داد.

او در مسیری قدم نهاد که بر صلیب جان خود را بدهد.
او می‌رفت تا زندگی خود را قربانی کند

به خاطر محبت به شاگردان.
حال به کلمه قربانی فکر می‌کنم

برای ما کمک بزرگی است وقتی فکر می‌کنیم
که چگونه می‌توانیم دیگر مسیحیان را محبت کنیم.

در این مورد فکر کنید. دو نکته مهم
و ارزشمند که باید مردم آن را نگاه دارند

در جامعه ما چیست؟ فکر می‌کنم وقت
و پول است. قربانی، این دیگر به چه معنی است؟

خیلی گرانبهاست، اینطور نیست؟ قربانی
یعنی تقدیم چیزی.

در باره قادر نبودن بر انجام چیزی تا
بتوانیم کار دیگری را انجام دهیم.

خوب، تا بتوانیم دیگر برادران و خواهران متعلق در یک خانواده جهانی
به عیسی را محبت کنیم،

مربوط هست به قربانی کردن
مقداری از وقتمان، از پول و ثروتمان

تا بتوانیم قادر شویم که آن پول و وقت را

برای کمک به برادران
و خواهران در مسیح اختصاص دهیم.

حالا می‌خواهم تاکید کنم که آنچه
عیسی می‌گوید برای شادی و خوشی ماست.

این را نشنوید و فکر کنید که "او، نه!
همه‌اش افسردگی و ناخوشی است!" این برای خوشی ماست.

و عیسی می‌گوید این همچنین راه
حفظ مشارکت صمیمی با اوست

چیزی است که او هدیه میکند.
مشارکت صمیمانه، نزدیک، شخصی،

با عیسی. و او می‌خواهد که ما
آن را حفظ کنیم. و ما انجامش خواهیم داد

وقتی که احکام او را در عمل پیاده می‌کنیم.

خوب فکر می‌کنم به اندازه کافی گفتم که
شما را به تأمل و تفکر وادار کنم،

پس بگذارید شما را بسوی میزهایتان برگردانم

و ببینیم در مورد آنچه شنیدید
چه کاری انجام می‌دهید.

Identity – Who is God? Who are we?

© Lee McMunn, 2011

All rights reserved. Except as may be permitted by the Copyright Act, no part of this publication may be reproduced in any form or by any means without prior permission from the publisher.

Published by 10Publishing, a division of 10ofThose Limited.

All Farsi scripture quotations are taken from the New Millennium Version. © 2003 Elam Ministries.

10Publishing, a division of 10ofthose.com
Unit 19 Common Bank Industrial Estate, Ackhurst Road, Chorley, PR7 1NH, England.
Email: info@10ofthose.com
Website: www.10ofthose.com